



ادامه حیات سیاسی
لاریجانی چه می شود؟ ۲

در نقد يك اتفاق
در نماز جمعه دیروز تهران
به کجا برد شکایت؟ ۳

۹۹ مصاحبه‌ی اخیر امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه چیزی بسیار فراتر از گلایه‌ها و نقدهای روز به رویکردهای آمریکا و حتی وضعیت اروپاست. این مواضع و برخی دیگر از نظرات او در واقع مانیفست و اعلامیه‌ای است از تغییرات جدی در آرایش قدرتها در جهان و پایان عصر کد خدا.

مکرون اعلام می کند که آمریکا و اساساً غربی که باید آن را حالا دیگر غرب سابق نامید، نه هژمونی اندیشه‌ای دارد، و نه تکیه‌گاه مناسبی در اقتصاد و امنیت است ۶۶

مانیفست پایان عصر کد خدا

گزارش تسنیم از اعتراضات احزاب
سیاسی مخالف دولت پاکستان

چه کسانی از اعتراضات
پاکستان سود می برند؟ ۴

سر مشق

مانیفست مکرون و تلنگرهای داخلی



محمد حسین نظری خبرنگار

مجله اروپایی اکونومیست در شماره این هفته، بخش کوتاهی از گفت و گوی خود با امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه را منتشر کرده است. مکرون در این گفت و گو با اشاره به پایان پیمان نظامی «ناتسو» از آن به مرگ مغزی یاد کرده که مورد توجه رسانه ها قرار گرفت اما به نظر می رسد که برخی اشاره های او به بحران فکری، سیاسی و اقتصادی اروپا مهمترین بخش صحبت های او و بسیار قابل تامل است. به اعتقاد مکرون، اروپا فراموش کرده که یک «جامعه» است و به صورت فزاینده ای خود را «بازار» می داند و همین موضوع «اروپا را در لبه پرتگاه قرار داده است.»

او بعد از این، تغییر عالم را گوشزد کرده اشاره می کند که وضعیت امروز اروپا نسبت به دهه ۹۰ میلادی متفاوت است، از این جهت که اگر آن روز اروپا بر مبنای ایده «پایان تاریخ» فوکویاما شکل گرفت و لیبرال دموکراسی را صورت غایی نظم جهان می پنداشت، امروز این فکر رو به زوال بوده و کارآمدی خود را از دست داده است. چنانکه میدع این ایده، فرانسیس فوکویاما نیز به زوال آن معترف است و در آثار متأخر خود به فروپاشی لیبرال دموکراسی اشاره کرده است.

این اظهارات رئیس جمهور فرانسه که خود در متن جامعه سرمایه داری تربیت شده و اکنون نیز مرد اول یک کشور توسعه یافته اقتصادی است، تذکری جدی برای برخی روشنفکران ایرانی است که هنوز اقتصاد بازار آزاد را برای جامعه تجویز می کنند و می‌پندارند که پیمودن راه توسعه امری ضروری است؛ حتی اگر عده ای زیر چرخ های آن له شوند.

در حالی که نفس های سرمایه داری در غرب به شماره افتاده به زعم یکی از متفکرین معاصر ذیل تاریخ غرب تبدیل به صدر تاریخ ما شده و برخی جریان های فکری-سیاسی هنوز آینده را در گرو اخذ لیبرال دموکراسی از غرب می دانند. همانطور که مکرون در این گفت و گوا اشاره کرده «بازار انگاری» در غرب جای تلقی درست از انسان و جامعه را گرفته و اساسا در توسعه غربی «اقتصاد» محور همه چیز است و آموزه های لیبرال سرمایه داری مبتنی بر نوعی حیوان انگاری توهین آمیز در باب انسان است.

انسان اقتصادی در نظام کاپیتالیستی غرب در سیطره قوانین بازار قرار دارد، بنابراین در این جامعه نفع شخصی خودبنیاد انسان و کسب سود به هر قیمتی مقدم بر امر مهمی چون عدالت است.

به طور کلی هر نظام سیاسی تابعی از یک مذهب فکری است که حاوی عقایدی درباره جامعه انسانی است، از این جهت اقتضای فکر غربی نظام سیاسی است که هیچ توجهی به ارزش های انسانی ندارد و نتیجه این بی اعتنائی به مقام و شان انسان نیز بحران همه جانبه ای است که امروز گریبان غرب جدید را گرفته است.

در چنین شرایطی توصیه و تاکید بر اجرای آموزه های لیبرالی از طرف مدافعان داخلی فکر غربی هیچ توجیهی ندارد، چه بدیهی است که «آزموده را آزمودن خطاست.» اگر چه باید در نظر داشت که پافشاری برخی از جریان ها بر توسعه غربی یک کنش سیاسی است، چه اساس آنها بر فکر غربی بنیاد نهاده شده و حذف این فکر به معنای نبود آنهاست.

با این حال،، بحران فکر و سیاست غربی حاکی از آن است که راه توسعه غربی حتی اگر رفتنی باشد، در بهترین حالت عواقبی دارد نظیر بحران هایی که امروز فرانسه، انگلستان و آلمان در اروپا و ایالات متحده در غرب عالم با آن مواجه است.



احمد امیرآبادی نماینده قم در مجلس شورای اسلامی روز گذشته از نهایی شدن لیست نامزدهای اصولگرا از حوزه انتخابیه قم خبر داد. به گفته وی، ذوالنوری، زاکانی و امیرآبادی سه نفر لیست اصولگرایان در قم هستند که اسفندماه قراراست وارد گود رقابت شوند

امیرآبادی درباره حذف نام علی لاریجانی از لیست اصولگرایان در قم نیز اظهار داشت: در روند انتخاب لیست سه نفره، شورای اصولگرایان قم هیچ رزومه‌ای از علی لاریجانی نخواست‌ه و آقای لاریجانی هم رزومه‌ای را به شورا ارائه نکردند.

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده سه دوره مردم قم در مجلس، با وجود اینکه کمتر از ۴ ماه تا انتخابات مجلس باقی مانده اما هنوز وضعیتش برای شرکت در انتخابات اسفندماه را مشخص نکرده است. برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از حضور وی از حوزه انتخابیه ساری و تهران است و برخی نیز احتمال می‌دهند وی این بار از حضور در مجلس انصراف دهد تا بخت خود را برای ۱۴۰۰ بیازماید.

**** لاریجانی؛ از کارنامه قابل قبول در صدا و سیما تا ناکامی در سال ۸۴**

علی لاریجانی متولد سال ۱۳۳۶ فرزند آیت‌الله میرزا هاشم آملی و یکی از ۵ برادران لاریجانی است که بیش از سایر برادرانش مسئولیت‌های مختلف را تجربه کرده است. وی پس از پیروزی انقلاب از سال ۶۰ تا ۶۱ رئیس واحد مرکزی خبر بود و سال ۶۱ وارد سپاه شد. از سال ۶۵ تا ۶۸ معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت سپاه را برعهده داشت و از ۶۸ تا ۷۱ بعنوان جانشین رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران فعالیت می‌کرد.

با استعفای سید محمد خاتمی از وزارت ارشاد در

سیاست

حذف لاریجانی از «لیست قم»؛

ادامه حیات سیاسی لاریجانی چه می‌شود؟

از کاندیدایی حمایت نکرده بود، هرچند برخی اصلاح‌طلبان مدعی بودند وی در روز رای‌گیری به میرحسین موسوی تبریک گفته است؛ موضوعی که دوبار از سوی دفتر لاریجانی تکذیب شد. روح‌الله حسینیان نماینده سابق مجلس شورای اسلامی می‌گوید، در جریان انتخابات هم اختلاف ما با لاریجانی بر سر همین تحلیل غلط بود. تحلیل وی این بود که موسوی به احتمال قوی رأی خواهد آورد لذا نباید مجلس را با موسوی درگیر کرد. ماتلاش کردیم که نمایندگان مجلس به نفع احمدی‌نژاد وارد صحنه شوند تا مورد حمایت قرار گیرد اما لاریجانی تلاش کرد چنین اتفاقی نیفتد.

وی بعد از آغاز اغتشاشات، در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری مدعی شد: "بعضی از اعضای شورای نگهبان از یک نامزد خاص در انتخابات ریاست جمهوری حمایت و جانبداری کرده‌اند."

لاریجانی در این برنامه اظهار می‌دارد، بخش عمده‌ای از مردم تصورشان در باره نتیجه انتخابات با نتیجه رسمی متفاوت است. باید به این تصور احترام گذاشت و حساب این جمعیت زیاد را با گروهی اغتشاش‌گر مخلوط نکرد. این اظهارات لاریجانی با انتقاداتی روبه‌رو شد و برخی این صحبت وی را دامن زدن به ادعای تقلب می‌دانستند. اولین مواضع محکم وی در برابر فتنه‌گران به بعد از راهپیمایی روز قدس ۸۸ و سر دادن شعار "نه غزه نه لبنان" برمی‌گردد که در مراسم افتتاح بنیاد شهید مطهری گفت: "کسانی که با چنین گروه‌هایی پیوند داشته‌اند، باید اعلام موضع می‌کردند، نه این‌که سکوت کنند.

جمهوری ایرانی باعث عزت کشور نیست و استقلالی که در حال حاضر در کشور وجود دارد به خاطر جمهوری اسلامی است و کسانی که برای عزت اسلامی دل‌مشغولی دارند، باید این افراد را راهنمایی

ویرترین سیاسی | بین‌الملل | خبرگزاری تسنیم



لاریجانی با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در سال ۹۲، به‌دلیل خاستگاه مشترکش با رئیس‌جمهور که هردو از جناح راست سنتی بودند به حمایت از دولت جدید پرداخت. ماجرای تصویب برجام در ۱۵ دقیقه در مجلس نهم اوج حمایت او از اقدامات دولت روحانی بود. با آغاز رقابت‌های مجلس دهم، اصلاح‌طلبان که در قالب لیست امید پا به عرصه گذاشته بودند، لاریجانی را در قم سرلیست کردند. لیست اصولگرایان نیز با حضور احمد امیرآبادی، علی ذوالنور و آیت‌الله آشتیانی وارد رقابت شد. در انتخابات مجلس دهم لاریجانی به‌عنوان نفر دوم قم به مجلس راه یافت که نشان از کاهش آرای او در این شهر داشت.

به‌رغم اینکه وی کاندیدای اصلاح‌طلبان بود اما در مقابل تصمیم نمایندگان فراکسیون امید که محمدرضا عارف را کاندیدای ریاست مجلس کرده بودند، وارد رقابت شد. برخی حامیان وی در لیست امید مانند کاظم جلالی و بهروز نعمتی (نمایندگان تهران) از ریاست لاریجانی حمایت می‌کردند و از طرفی اصولگرایان که چهره برجسته‌ای نداشتند هم به لاریجانی رای دادند و وی توانست در رقابت با محمدرضا عارف در انتخابات هیئت رئیسه موقت مجلس با کسب ۱۷۳ رای از مجموع ۲۸۶ رای به عنوان رئیس موقت مجلس دهم تعیین شد. در این رقابت، عارف نیز ۱۰۳ رای به دست آورد.

لاریجانی که در ادوار گذشته حمایت اصولگرایان سنتی و جامعه مدرسین حوزه را به همراه داشت، در سال‌های اخیر با کاهش شدید پایگاه اجتماعی روبه‌رو بوده است. ۱۹ خرداد ۹۷ لاریجانی در جلسه شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درباره FATF حاضر شد و علی‌رغم توضیحات و مخالفت اکثریت اعضای جامعه مدرسین و شخص آیت‌الله یزدی درباره عواقب تصویب این لایحه، لاریجانی موافق تصویب FATF بود.

حمایت‌های لاریجانی از دولت حسن روحانی در مقاطع مختلف و عملکرد ضعیف دولت وی در مسائل اقتصادی در کنار عملکرد ضعیف مجلس دهم که برخی آن را ضعیف‌ترین مجلس در ادوار قانون‌گذاری می‌دانند، انتقادات به لاریجانی را بیش از پیش کرده است و وی که زمانی در دهه هفتاد به‌عنوان حامی نیروهای انقلابی شناخته می‌شد، به مرور زمان با اتخاذ رویکردی که محافظه‌کارانه خوانده می‌شد، موجب شد تا نیروهای انقلابی نیز از وی حمایتی به‌عمل نیآورند.

او این‌بار از حمایت اصلاح‌طلبان نیز بی‌بهره است چرا که شکست دادن عارف در انتخابات هیئت رئیسه موجب شد تا این روزها اکثر اصلاح‌طلبان شرط اول حضورشان در انتخابات را حمایت نکردن از کاندیداهای غیر اصلاح‌طلب بدانند. محمدرضا عارف رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری برنا می‌گوید: "در برخی حوزه ها هم به خاطر رد صلاحیتها افراد مشهور به اصولگرای معتدل را در لیست قرار دادیم که البته همین افراد بعد از ورود به مجلس راه خود را از ما جدا کردند. اتفاقا ضربه ای که لیست امید خورد از شهرهایی مانند قم و برخی کلان شهری دیگر و در جریان بستن لیست انتخاباتی شروع شد."

لاریجانی که در انتخابات دوره گذشته در شهر قم، نفر دوم شده بود، این بار نه تنها در لیست اصولگرایان جایی ندارد بلکه از پشتیبانی حامیان سنتی اش مانند جامعه مدرسین نیز برخوردار نیست و به‌احتمال قوی اگر بخواهد در انتخابات مجلس حضور پیدا کند، شهری غیر از قم را انتخاب خواهد کرد. هرچند برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از عدم حضور لاریجانی در رقابت‌های اسفندماه است.

لاریجانی که در حال پشت سر گذاشتن سومین دهه حیات سیاسی اش است، مشخص نیست بتواند دوباره راهی پارلمان شود و اگر هم به مجلس راه یابد مشخص نیست دوباره کرسی ریاست را کسب کند. بعد از سال ۹۶، برخی از علی لاریجانی به‌عنوان کاندیدای احتمالی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل برای انتخابات ۱۴۰۰ یاد می‌کردند، هرچند خود وی با نزدیکانش تاکنون صحبتی در این زمینه نکرده‌اند اما بعید است اصلاح‌طلبان بار دیگر تجربه حسن روحانی را تکرار کنند و بخواهند از یک شخص غیراصلاح‌طلب یا معتدل حمایت کنند.

تا انتخابات

سردرگمی در اردوگاه اصلاح‌طلبان، ۳ ماه مانده به انتخابات مجلس

یکشنبه هفته گذشته بود که در جریان نشست هفتگی شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان کلیات طرح سامانه‌ای انتخاباتی با عنوان سامانه رای‌سنجی اصلاح‌طلبان (سرا) با اکثریت آرا به تصویب اعضا رسید. اما مخالفت صریح احزاب تأثیرگذار جریان اصلاحات از جمله حزب کارگزاران و اعتماد ملی با این طرح، در فاصله کمتر از ۴ ماه به انتخابات مجلس، اجرای آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

مخالفان اجرای "سرا" به حدی بر موضع خود مبنی بر ناکارآمدی و ایرادات این طرح مصمم هستند که حتی برخی از آنها همچون حزب اعتماد ملی تهدید کرده‌اند که در صورت اجرای این طرح به گفته آنها غیردموکراتیک، ممکن است قید عضویت در شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان را بزنند. اسماعیل گرامی مقدم سخنگوی اعتماد ملی در گفت‌وگویی با سایت خبری خبرآنلاین با تأکید بر اینکه با طرح "سرا"، ائتلاف اصلاح‌طلبان منتفی است، گفت: کل انگیزه موجود پشت این طرح این است که بتوانند لیست را به نوعی سازماندهی کنند تا افراد خاص خودشان خروجی آن باشند.

گرامی مقدم با کنایه به نقش چهره‌های حقیقی نزدیک به حزب اتحاد ملت در شورای سیاست‌گذاری در ارائه طرح "سرا" تصریح می‌کند: یکی از احزاب به ۱۵ حزب منشعب شده است که پشت صحنه تصمیم می‌گیرند و در شورای عالی مطرح می‌کنند. سخنگوی حزب اعتماد ملی در عین حال تأکید می‌کند: "در جلسه شنبه (امروز) کمیته تعامل حزب درباره ادامه همکاری با شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تصمیم‌گیری می‌شود".

پیش از این غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران نیز در تویییتی با کنایه به طراحان طرح "سرا" در شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از جمله محمدرضا عارف رئیس این شورا نوشته بود: "بگویید در مجلس یازدهم چه می‌کنید تا مردم درباره‌ی رای دادن و ندادن به شما تصمیم بگیرند. برای مردم اهمیتی ندارد که چگونه نامزد شده‌اید، مهم این است که چه می‌کنید....".

آمدن یا نیامدن لاریجانی: مسئله این است

در شرایطی که حدود سه ماه به موعد انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی زمان باقی مانده، حضور یا عدم حضور سکان‌دار ۱۲ ساله پارلمان در کارزار انتخابات مجلس یازدهم تبدیل به یکی از مهم‌ترین اخبار انتخاباتی روز کشور شده است.

گمانه‌زنی‌ها درباره عدم حضور لاریجانی در انتخابات آتی مجلس با انتشار فهرست نهایی نامزدهای اصولگرایان شهر قم بیش از پیش قوت گرفت. اگر چه این اقدام شورای هماهنگی اصولگرایان قم مسبوق به سابقه بوده و در انتخابات دوره دهم مجلس نیز لاریجانی در میان اصولگرایان این شهر جایی نداشت ولی اطلاع از تصمیم اصلاح‌طلبان مبنی بر عدم حمایت از چهره‌های اعتدالی همچون لاریجانی برخلاف انتخابات گذشته مجلس، لاریجانی را بیش از پیش به فکر عدم حضور در انتخابات اسفندماه انداخته است. تا آنجا که خبرگزاری ایلنا به نقل از یکی از نزدیکان لاریجانی از عدم حضور قطعی وی در انتخابات آتی مجلس خبر داده است: "علی لاریجانی نماینده مردم قم و رئیس مجلس شورای اسلامی، اخیراً در جمع برخی از فعالان سیاسی نزدیک به خود در شهر قسم اعلام کرده که دیگر کاندیدای انتخابات نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌شود و تا کنون هرچه در توان داشته برای کشور بکار گرفته است".

با این وجود بهروز نعمتی و حسن زمانی‌دوتن از چهره‌های نزدیک به رئیس مجلس در گفت‌وگوهای جداگانه با تسنیم از آمدن یا نیامدن لاریجانی اظهار بی‌اطلاعی کردند. بهروز نعمتی عضو کنونی هیئت رئیسه مجلس در این رابطه می‌گوید که "تا این لحظه خبری از برنامه آقای لاریجانی برای حضور یا عدم حضور وی در انتخابات آتی مجلس ندارم." همچنین حسن زمانی دیگر چهره نزدیک به رئیس مجلس که از مشاوران پارلمانی اونیز محسوب می‌شود، در پاسخ به این سوال که آیا گمانه‌زنی‌ها درباره عدم حضور لاریجانی در انتخابات را تأیید می‌کند، گفت: "اطلاعی در این رابطه ندارم و این موضوع در روزهای آینده مشخص می‌شود".



شاید تغییر در شکل و شمایل برگزاری این فریضه رفته رفته محتوا و علت احیای این نهاد مقدس را تغییر داد.

امام خمینی(ره) هدف از احیای نمازجمعه در جمهوری اسلامی را احیای شکل اصیل آن در صدر اسلامی میدانستند و فرمودند: «من امیدوارم که این نماز جمعه در ایران، آن محتوای اصیل خودش را، که در صدر اسلام داشته است، احیا کند... در صدر اسلام، امام جمعه و مسجد، این دو ابزار در دست مسلمانها بوده است و هر وقت میخواستند جنگ برونند از مسجد تجهیز میکردند، هر وقت میخواستند یک کار مهمی بکنند در مسجد طرح میکردند و اعلام میکردند که نماز جمعه است، نماز جماعت است، بیایید، برای کاری میرفتند آنجا، نمازشان را هم میخواندند و مسائل سیاسیشان را هم میگفتند و اجرا میکردند، ارتش میفرستادند و همه این کارها را آنجا میکردند...»

اما امروزه معمولاً با نمونه‌های اینچنین در فریاد عدالتخواهی یا امر به معروف در نمازجمعه برخورد سلبی صورت میگیرد. حضور کارگران بیکارشده در نمازجمعه یا فریاد یک بازنشسته نشان میدهد هنوز مردم به این سنگر اعتقاد دارند و میخواهند از این تریبون به مشکلاتشان رسیدگی شود و باید قدردان این اعتماد بود.

برای نمونه در ماههای گذشته نیز شاهد حضور برخی کارگران تعدیل شده در نمازهای جمعه شهرها بودیم. برخورد برخی ائمه جمعه پدرانۀ بود و در میان کارگران حاضر شدند و در مقابل، برخی ائمه جمعه خواهان حفظ آنچه احترام این جایگاه میخوانند شدند.

متأسفانه کھولت سن و از طرفی بیاطلاعی برخی ائمه جمعه از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم موجب میشود فریادهای عدالتخواهانه را در نمازجمعه برنایند.

رهبری برای همین هم راهحلی تعیین کرده و فرمودند: «امامان محترم جماعت، اگر خود بر اثر کھولت و غیره نمیتوانند وظیفهی رابطه و آنس و راهنمایی را برای نمازگزاران، بویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود

می‌شود حضور نمازگزاران و گوش فرا دادن به خطبه‌ها است نه محلی برای امر به معروف یا رسیدگی به مشکلات مردم در حالی که سخنان امامین انقلاب درباره نمازجمعه فراتر از آن چیزی است که این روزها درحال برگزاری است. امام راحل(ره) در دیداری با شرکت‌کنندگان دومین کنگره ائمه جمعه در ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۶۳ می‌فرمایند: «نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سر تا پا سیاسی است و مع‌الأسف در جاهایی انسان می‌بیند که در نماز جمعه ایداً مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارند، خبری نیست.»

نمازجمعه باید محلی باشد برای رفع نیازهای اجتماع مسلمانان. یک بعد این نیاز، لزوم آگاهی از مسائل سیاسی است. همانطور که رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای ستادهای نمازجمعه می‌فرمایند: «نماز جمعه خدمت به آگاهی سراسری ملت ایران است؛ چون نماز جمعه یک عمل صرفاً عبادی نیست؛ عملی است که در ذات و ترکیب خود، آگاهی بخش است» و یک بعد دیگر این احتیاج، برطرف کردن مشکلات مردم و افرادی است که تنها مقام تظلمخواهی را امام جمعه شهر میبینند. رهبر انقلاب در یکی از دیدارهایشان با ائمه جمعه سراسر کشور فرمودند: «نماز جمعه نسبت به اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی نیز وظیفه دارد و نماز جمعه باید به ارزشهای اسلامی پایبندی مبتنی بر مبانی فکری و عقلی داشته باشد.» ۱۸/۰۶/۱۳۹۲

نمازجمعه باید به ارزش‌های انقلاب حساس باشد. یکی از ارزشهای اساسی انقلاب اسلامی برقراری عدالت و رسیدگی به مشکلات مردم بود. نمازجمعه در شرایطی در تراز انقلاب قرار میگیرد که نسبت به ارزشهای فراموش شده مانند پاسخگو بودن مسئولان، عدالت اجتماعی و از همه مهمتر فریضه فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر حساس باشد. هم خطیب جمعه این مسائل را در دستور کار خود قرار دهد و هم نمازگزاران به منکرهایی که میبینند حساسیت نشان دهند.

محمد علی سافلی
خبرنگار

روز گذشته نمازجمعه تهران شاهد اتفاقی بود که هرازگاهی در هنگام برپایی این فریضه رخ می‌دهد؛ یکی از نمازگزاران در اثنای خطبه‌ها فریاد از مشکلات معیشتی و بازنشستگی‌اش کرد که توسط مسئولان برگزاری مراسم اخراج شد.

سوالی که برای مستمعان خطبه‌ها یا افرادی که این خبر را می‌شنوند پیش می‌آید این است که آیا فارغ از برهم خوردن نظم نماز، چنین برخورد سلبی با یک شهروند درست؟ آن هم در پایگاهی که خطیب آن حداقل چند جمله‌ای را به نهی از منکر و امر به معروف دیگران اختصاص می‌دهد و اینکه آیا نمازجمعه تنها محل شنیدن خطبه‌های امام جمعه است یا اینکه می‌تواند به محل تظلم‌خواهی تبدیل شود؟

آنچه درباره چرایی تغییر نگاه‌ها از نمازجمعه به‌عنوان محل گره‌گشایی از مشکلات مردم به یک محل خنثی و صرفاً گوش‌فرا دادن به خطبه‌ها تبدیل شده به ذهن می‌رسد، تغییر سبک برگزاری نمازجمعه در دهه ۶۰ است که موجب می‌شود تظلم‌خواهی مردم غیرعادی بنظر بیاید و فوراً با اشخاصی که سعی در انتقاد از مسئولان دارند، بی‌توجهی شود.

تنها نگاهی به تصاویر نمازجمعه‌های آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های آغازین انقلاب کافی است تا به یاد بیاوریم هیچ مرزی بین مسئولان و مردم نبود و بعد از اتمام نمازجمعه می‌توانستند به‌راحتی با امام جمعه و سایر مسئولان ارتباط بگیرند.

وحیده علایی دختر آیت‌الله طالقانی در گفتگویی، همین نکته را یادآور شده بود: «بعد از اتمام نماز مردم به‌سمت پدرم می‌آمدند که مشکلاتشان را بگویند و پاسدارها هم با هزار مشکل آقا را از بین جمعیت خارج می‌کردند.» با گذشت یک دهه از عمر انقلاب رفته رفته شکل و شمایل محل برگزاری نمازجمعه تغییر کرد. نرده‌های جداکننده بین مردم و مسئولین اضافه و محل ورود و خروج مسئولان از مردم جدا شد. بلاشک در چنین مکانی تنها چیزی که تعریف

به مناسبت سالگرد درگذشت آتاتورک؛

ترکیه و روند نادیده گرفتن پاشا

علی حیدری: کارشناس مسائل ترکیه و عراق

از چند سال پیش، روند نادیده گرفتن سالروز درگذشت مؤسس جمهوری ترکیه پررنگ‌تر شده و شواهد نشان می‌دهد که سازمان تشکیلات دینی با حمایت فکری حزب حاکم، تمایلی به تداعی نام مصطفی کمال ندارد. فردا هشتادویکمین سالروز درگذشت مصطفی کمال مؤسس جمهوری ترکیه است. ژنرالی که در سپاه عثمانی، او را «پاشا» می‌خواندند. او نخستین نظام جمهوری منطقه را به نام «جمهوری ترکیه»، بر تکه‌های امپراتوری سابق عثمانی بنیاد نهاد. نام آتاتورک در ترکیه، یادآور اقدامات مهمی همچون کنار نهادن الفبای عربی عثمانی و ابداع الفبای لاتینی برای زبان ترکی نوین، کشف حجاب، اجباری شدن کلاه، نزدیک شدن به غرب، تأسیس حزب جمهوری خلق و بسیاری از اقدامات دیگر است. شاید مصطفی کمال، تنها رهبری باشد که یک گروه و کمیته رسمی را مسئول آن کرده که برایش نام و لقب انتخاب کنند. مصطفی کمال، در سال ۱۹۲۳ نظام نوین را تأسیس کرد و تا ۱۱ سال، همه او را «رئیس جمهور غازی مصطفی کمال»، صدا می‌زدند. غازی از ریشه غزوه، به معنی قهرمان جنگ است.

در سال ۱۹۳۴ میلادی، اعلام شد که ترک‌ها باید نام خانوادگی داشته باشند. حزب جمهوری خلق به عنوان یگانه حزب کشور و حزب حاکم، کمیته‌ای را مسئول کرد تا با مشورت مورخین و زبان‌شناساس، اسم خانوادگی مناسبی برای غازی مصطفی کمال انتخاب کنند. کمیته مزبور پس از چندین روز، بالاخره لیستی را در اختیار رئیس جمهور گذاشت و او نیز، نام آتاتورک (پدر ترک‌ها) را انتخاب کرد. مدت کوتاهی پس از تأسیس نظام جمهوری، مصطفی کمال، خود را مقید به اسلام و آداب شرع می‌دانست و همه عناصر قومی ترکیه را برادران همدیگر و عناصر اسلامیه قلمداد می‌کرد. اما این رفتار مدت کوتاهی دوام آورد و مصطفی کمال نیز شیفته و واله موج ملی‌گرایانه رادیکال آلمان و ایتالیا شد. او با راهنمایی نخست وزیر و یار غار خود ژنرال عصمت اینونو ده‌ها دانشجورا به روستاها و مناطق دورافتاده ترکیه اعزام کرد تا با اندازه‌گیری جمجمه و سایر اعضای صورت، تشخیص دهند که مردمان کدام بخش از سرزمین ترکیه، ترک‌های اصیل‌تری هستند!

«یک ترک با تمام دنیا برابر است»، «خوش به حال آن که می‌گوید من ترک هستم»، «ملت ترک» و جملات و عباراتی نظیر این‌ها، از آتاتورک به یادگار مانده‌اند و هنوز هم کاربرد دارند.

با مرور اجمالی تاریخ معاصر ترکیه، می‌توان این واقعیت را دریافت که اسلام‌گرایان، کردها، علویان، اعراب، چرک‌ها و دیگر عناصر غیر از ترک‌های کمالیست، همگی در دوران اقتدار او و بعدها در دوران مسئولیت شاگردان و مریدان او، کنار نهاده شده و به حاشیه رانده شدند. شاید به همین خاطر است که پس از پارگشت اسلام‌گرایان به متن سیاسی ترکیه و قدرتمندشدن آنان حالا شاهد رفتارهایی هستیم که برخی از آنها، به انتقام‌گیری از کمالیسم شباهت دارند. از چندسال پیش روندنادیده گرفتن سالروز درگذشت مؤسس جمهوری ترکیه پررنگ‌تر شده و شواهد نشان می‌دهد که سازمان تشکیلات دینی ترکیه با حمایت فکری حزب حاکم تمایلی به تداعی نام مصطفی کمال ندارد. دولت نیز با این پدیده به شکل کژدار و مریز رفتار می‌کند و به جرات می‌توان گفت در اظهارات مقامات ترکیه در مورد آتاتورک و عمل به پروتوکول‌هایی نظیر حضور بر مزار آتاتورک در برخی جشن‌های ملی، بی‌میلی و سردی در سیما و سخنان دولتمردان، هویداست. اگر چه بر اساس شواهدی که در سطور پیشین به آنها اشاره شده نمی‌توان مدعی حذف آتاتورک از سپهر فکری، سیاسی و اجتماعی مردمان ترکیه شد،اما تابلوی سیاسی وفرهنگی کنونی ترکیه‌به‌مامی‌گوید که‌نه‌تنها دوران افول محبوبیت مصطفی کمال آتاتورک فرا رسیده بلکه مهم‌تر از آن، تفکر و منش سیاسی و اجتماعی کمالیستی نیز در حال رنگ باختن و به‌قهقرا رفتن است. به عبارتی روشن، در صحنه سیاسی و رقابت‌های حزبی شاهد ضعیف شدن حزب جمهوری خلق به عنوان اصلی‌ترین کانون سیاسی و فکری کمالیست‌ها هستیم و می‌بینیم که این حزب در ایده‌آل‌ترین شرایط ممکن، تنها از حمایت یک چهارم مردم ترکیه برخوردار است و در صحنه اجتماعی و زندگی روزمره مردم ترکیه نیز به وضوح می‌بینیم که جریان محافظه‌کار تا حد زیادی از این وضعیت رضایت دارد و دین‌داران زخم‌های دوران اقتدار کمالیست‌ها را از یاد نبرده‌اند.



در حالی اعتراضات احزاب سیاسی مخالف دولت پاکستان در این کشور ادامه دارد که همچنان ابعاد مبهم و مهمی پیرامون این اعتراضات وجود دارد. چند روزی است احزاب سیاسی مخالف دولت عمران خان نخست‌وزیر پاکستان اعتراضات گسترده‌ای را علیه او، دولت و سیاست‌هایش آغاز کرده‌اند. حزب مسلم لیگ به رهبری نواز شریف، حزب مردم به رهبری بلاول بوتو زرداری در حمایت از آصف علی زرداری و حزب جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا فضل الرحمان احزاب مهمی هستند که در این اعتراضات حضور دارند اما رهبری آن در اختیار فضل الرحمان است. در حالی که همه این احزاب می‌گویند دولت عمران خان در سیاست‌هایش شکست خورده و برخی می‌گویند وی به تقلب در انتخابات به قدرت رسیده است اما خواسته و اعتراض مشخص و هماهنگی میان آن‌ها وجود ندارد. حزب نواز شاید مهم‌ترین خواسته‌اش رهبری نواز شریف و دخترش از زندان بود که آن‌ها هم به بهانه بیماری و با قید وثیقه آزاد شدند و همین موضوع باعث شد تا آتش خشم آن‌ها تا حدی فرونشیند. حزب مردم که خود دارای کرسی‌هایی در پارلمان است و در برخی ایالات قدرت را در دست دارد هم نمی‌تواند به صورت جدی وارد موضوع تقلب و تخلف در انتخابات شود زیرا خودش نیز در معرض اتهام قرار خواهد گرفت و همین موضوعات باعث شده است تا شکافی در میان اعتراضات به وجود آید تا آنجا که فضل الرحمان نتوانست تحمل کند و در نهایت لب‌به اعتراض گشود و ناراحتی‌اش از حزب مردم و مسلم لیگ شاخه نواز را علنا فریاد زد. با این حال فضل الرحمان همچنان به اعتراضات خود ادامه می‌دهد که همین تقلا باعث شده است تا پشت‌پرده این اعتراضات برای کارشناسان جالب و قابل توجه باشد. ادامه تلاش فضل الرحمان برای اعتراض و اعتصاب را از چند بعد می‌توان بررسی کرد.

بعد اول: تقلا برای فرار از اتهام فساد
عمران خان از زمان تصدی امور دولت‌داری در پاکستان سعی کرده به وعده اصلی خود یعنی مبارزه جدی

جهان

گزارش تسنیم از اعتراضات احزاب سیاسی مخالف دولت پاکستان

چه کسانی از اعتراضات پاکستان سود می‌برند؟



خواهد آورد.

بعد چهارم؛ سعودی و اعلام خطر به ارتش
یکی از احتمالات جدی دیگری که پیرامون اعتراضات فضل الرحمان مطرح می‌شود، پشتیبانی عربستان سعودی از این اعتراضات است. یکی از شعارهای جدی معترضین و شخص فضل الرحمان حمله آنها به ارتش پاکستان است. طرفداران بعدسوم این یادداشت می‌گویند ارتش چون پشت تظاهرات است برای معمولی جلوه دادن شرایط و رونشدن دستش از فضل الرحمان خواسته است علیه ارتش شعار دهد. اما دیگران بر این باورند سعودی بر موج این اعتراضات سوار شده و به دنبال تسویه حساب با ارتش پاکستان است. آنها بر این اعتقادند که سعودی چون نتوانسته ارتش پاکستان را در یمن و دیگر برنامه‌های جاه‌طلبانه خود همراه کند اکنون فرصت تظاهرات را مناسب دیده تا حدی ارتش زهر چشم از ارتش هستند. آنها در روزهای آینده فشار بر ارتش پاکستان را بیش از گذشته خواهند کرد و باید دید کدام طرف پیروز در این داستان بیرون خواهند آمد. به هر حال باید گفت هر یک از ابعاد فوق را هم در نظر بگیریم این عمران خان است که تحت فشار جدی قرار گرفته و شاید مجبور به باج‌دهی به اطراف مختلف شود تا بتواند عمر سیاسی خود را با آرامش و موفقیت به پایان رساند.

را بپذیریم باید بگوییم هند توانسته در این باره پیروز باشد زیرا افکار عمومی پاکستان و رسانه‌های این کشور را از مساله کشمیر دور کرده و به حاشیه رانده است. **بعد سوم؛ قدرتمایی ارتش پاکستان در برابر عمران خان**
بر کسی پوشیده نیست عمران خان بدون حمایت ارتش نمی‌توانست به نخست‌وزیری در این کشور برسد. او در ادامه مسیر نیز حمایت ارتش را با خود داشته باشد و پیش‌رو د با این حال برخی می‌گویند عمران خان در این اواخر با توجه به محبوبیت نسبی که در مقابله با فساد پیدا کرده برخی مواقع با ارتش زاویه پیدا کرده است. طرفداران این فرضیه می‌گویند ارتش پاکستان به صورت پنهانی پشت پرده تظاهرات علیه عمران خان است. این افراد بر این باورند که ارتش پاکستان با به خیابان آوردن فضل الرحمان و باقی احزاب مخالف عمران خان سعی دارد قدرت خیابانی این بخش از جامعه پاکستان را به رخ عمران خان بکشد و به او اعلام کند که نباید مغرور شود. در واقع پیام اصلی ارتش برای عمران خان این است که اگر نظامیان بخواهند می‌توانند بخش عظیمی از جامعه را با خود همراه کنند و عمران خان و تیم‌اش را به سمت اقلیت پیش ببرند و این شکستی بزرگ برای خان در همین ابتدای عمر سیاسی‌اش خواهد بود.

اگر این فرضیه پذیرفته باشد باید این مهم را پذیرفت که عمران خان زین‌پس هماهنگ‌تر از گذشته با ارتش عمل خواهد کرد و این یعنی ارتش توانسته در قابل خان و تیم‌اش موفق عمل کند و او در نهایت سر تعظیم فرو

گفت‌وگوی با محمد البخیتی، عضو شورای سیاسی جنبش انصارالله

توافق ریاض درباره جنوب یمن شمشیری دولبه است

اینکه مزدورانش مشغول درگیری با یکدیگر هستند، در مقابله با ارتش و کمیته‌های مردمی یمن تنها خواهد ماند. بنابراین از هرگونه ابزار فشار استفاده کرده و برای رسیدن به این توافق، از امارات کمک خواست (این توافق نامه هفته گذشته در ریاض امضا شد). این توافق نامه موجب مشروعیت‌زدایی از هر دو طرف شده و بنابراین اجرای آن دشوار است. همچنین توافق نامه مذکور بسیاری از حقایق را برای ملت یمن روشن کرد و هدف عربستان از این توافق نامه هرگز محقق نخواهد شد.

موضع انصارالله و هم‌پیمانان شما و ارتش یمن درباره این توافق نامه چیست ؟

این تصمیم کاملاً به دست عربستان صورت گرفت و بنابراین نشان دهنده افزایش نقض حاکمیتی و استقلال یمن است که ما هرگونه حضور نیروهای خارجی در یمن را رد کرده و تلاش می‌کنیم تا واجب به وجب کشورمان را آزاد کنیم هم‌اکنون نیز به بازگرداندن حاکمیت و استقلال یمن نزدیک شده‌ایم.

آیا حضور امارات در یمن در مدت اخیر، نمادین بوده و بنابراین عربستان را ناامید کرده و یا این که هنوز هم نقش پررنگی در تجاوز ضد یمن دارد؟
عربستان حضور امارات را در یمن مانعی برای اتحاد مزدوران خود در این کشور می‌دانست، بنابراین، از یک‌سو امارات را برای عقب‌نشینی از برخی مناطق به‌ویژه عدن تحت فشار گذاشت؛ اما از سوی دیگر هنوز هم به مشارکت امارات در ائتلاف متجاوز خود ضد یمن نیاز دارد. بنابراین عربستان در برابر دو گزینه مانده است: اینکه عقب‌نشینی امارات برای سعودی‌ها بهتر است یا باقی ماندن آن در یمن.

درست است که این تصمیم سعودی‌ها در استان‌های جنوبی نقطه قوتی به آنها می‌دهد، اما در مقابل هم‌پیمان قدرتمند خود یعنی امارات را از دست می‌دهد؛ بنابراین، این توافق نامه یک شمشیر دولبه است که اجرای آن تقریباً محال است.

در حالی است که ارتش عربستان اقدام به استقرار در استان‌های اشغالی که نیروهای انصارالله در آنجا حضور ندارند کرده و البته اهداف این توافق نامه محقق نمی‌شود؛ زیرا این حقیقت که دولت مستعفی و شورای انتقالی فقط ابزاری در برابر ملت یمن هستند آشکار شده است.

آنچه که از گفته‌های شما متوجه شدم این است که عربستان در تلاش است تا از طریق این توافق نامه، نیروهای یمنی حاضر در جنوب را به مکان دیگری ببرد تا به جای نیروهای سعودی بجنگند ، آیا همینطور است؟

این توافق نامه بر دو بند اصلی استوار است. بند اول، تقسیم مسئولیت‌هایمان فرماندهان دولت مستعفی و فرمانده‌های شورای انتقالی است. بند دوم، عقب‌نشینی همه نیروهای دو طرف از استان‌های جنوبی و وادار کردن آنها به جنگ ضد ارتش و کمیته‌های مردمی یمن است؛ اما نیروهای مزدور پس از خسارت‌های زیادی که به آنها وارد شد و نیز پس از کشف حقیقت هسته‌های سعودی و اماراتی و نیز حقیقت مزدور بودنشان، در آستانه فروپاشی قرار گرفته‌اند. بنابراین اجرای این توافق نامه به ویژه آنچه مربوط به تشکیل دولت جدید است، بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛ چرا که رقابت و درگیری بر سر منافع همچنان شدید است، اما به طور کلی این تواق نامه شوک و ضربه بزرگی برای کسانی بود که به منظور تحقق هدف جدایی طلبی خود، روی شورای انتقالی جنوب حساب کرده بودند و نیز ضربه بزرگ برای کسانی بود که برای جنگ با کودتاگران روی دولت خودخوانده هادی حساب می‌کردند.

آیا حمایت عربستان از یک گروه در جنوب یمن و جنگ با گروه‌های دیگر در سایر مناطق این کشور و همکاری با امارات در این زمینه، به معنای تلاش برای تجزیه یمن است؟

عربستان به یمن اهمیتی نمی‌دهد، اما درگیری میان مزدوران آن موجب شده تا احساس کنند با توجه به



روز سه‌شنبه ۱۴ آبان، توافق نامه‌ای با عنوان توافق نامه ریاض میان دولت خودخوانده رئیس‌جمهور فراری یمن و شورای انتقالی جنوب امضا شد که به موجب این توافق، قدرت در جنوب یمن میان عربستان و امارات تقسیم شد.

«محمد البخیتی» عضو شورای سیاسی جنبش انصارالله در گفت‌وگو با تسنیم تحقق این توافق را محال خوانده است. سه‌شنبه گذشته، توافق نامه‌ای موسوم به توافق نامه ریاض با نظارت عربستان میان دولت خودخوانده عبدربه منصور هادی و آنچه با عنوان شورای انتقالی جنوب شناخته می‌شود امضا شد،

محمد بن سلمان ولی عهد عربستان و محمد بن زاید ولی عهد ابوظبی نیز در این مراسم حضور داشتند ، جزئیات این توافق نامه چیست؟

این توافق نامه در واقع یک توافق نامه سعودی-اماراتی میان دولت مستعفی و شورای انتقالی است که آن را امضا کردند. این توافق نامه، عدم مشروعیت دولت مستعفی را که تلاش می‌کند مشروعیت خود را با کودتا به دست آورد و نیز عدم مشروعیت شورای انتقالی را ثابت کرد. امضای این توافق نامه نشان می‌دهد که

مصاحبه جنجالی رئیس‌جمهور فرانسه غیر از گلایه از آمریکا اعلامیه‌ای برای یک تغییرات کلان در نظم جهان است

هانیفست پایان عصر گد خدا



در شماره جدید مجله اکونومیست، مصاحبه خبرنگاران این رسانه با امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به انتشار رسیده است که به دلیل رویکرد جدید او به مسائل مرتبط با اتحادیه اروپا و همچنین نگاه نگرانش به مسائل بین‌المللی و به‌خصوص قدرت آمریکا به تیت‌ر یک بسیاری از مطبوعات جهان تبدیل شده است. گرچه در مطبوعات مختلف داخلی و خارجی به این صحبت‌های رئیس‌جمهور فرانسه پرداخته شده است اما این صحبت‌ها که نمودار و پیشگویی‌ای از تحولات آینده تروئیکای اروپایی بوده و دارای اهمیت بسیار زیادی است، کمتر در محافل سیاسی و رسانه‌ای داخلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مکرون که پیش از این نیز در مراسم و جلسات مختلف از نگرانی‌های خود درباره شرایط اتحادیه اروپا و آمریکا در عصر انزوای ملی آمریکایی و پایان هژمونی این کشور بر جهان سخن گفته بود، در این گفت‌وگو بیش از پیش از این نگرانی و ابعاد آن پرده برداشت. او با صراحت تمام از احتمال ناپدید شدن اروپا گفته و بیان کرده است که این مسئله اغراق نیست و واقعاً نگرانی‌هایی درباره رفتار آمریکا و حمایتش از اتحادیه اروپایی وجود دارد که در صورتی که این نگرانی‌ها بر طرف نشود، احتمال اتفاق افتادن حوادث و تغییرات در این اتحادیه در راستای تضعیف هر چه بیشتر آن از نظر اقتصادی و سیاسی وجود دارد. او اروپا را بر لبه پرتگاه می‌داند پرتگاهی که این بار ایالات‌متحده برای این تروئیکای ۷۰ ساله ایجاد کرده است.

این نگرانی‌ها البته در سایر مسائل دیگر اقتصادی و سیاسی نیز ادامه می‌یابد اما می‌توان آن‌ها را در نگرانی عمیق‌تر نسبت به افول هژمونی غرب دنبال کرد. مسئله‌ای که مکرون در کنفرانس خبری مشترک با دونالد ترامپ در پایان اجلاس گروه ۷ که در شهریور ماه امسال برگزار شد به آن اشاره کرد و به سرعت از آن عبور کرد. او در این کنفرانس خبری اعتراف کرد که هژمونی غرب در جهان رو به پایان است و عنوان کرد که برخی از تصمیمات و اقدامات غلط کشورهای غربی ازجمله آمریکا موجب شده که برخی از واقعیتهای ژئوپلیتیکی تغییر کند. وی همچنین نظام سرمایه‌داری و دموکراسی در غرب را در بحرانی تمام‌عیار و واقعی دید که کارشناسان از مدت‌ها پیش در مورد آن‌ها هشدار داده‌اند.

اما افول هژمونی غرب که موردنظر مکرون است چگونه در رفتار غرب مشاهده می‌شود و این هژمونی چگونه رو به افول می‌رود؟ برای بررسی این مسئله و جزئیات نگرانی‌های مکرون بهتر است ابتدا به بررسی مفهوم هژمونی و گزاره‌های آن بپردازیم. هژمونی در فرهنگ لغت به معنی رهبری است و بر اساس نظریات سیاسی وضعیتی است که در آن رقابت میان قدرت‌های بزرگی به حدی نامتوازن است که یک قدرت، در درجه نخست قرار می‌گیرد و در نتیجه قادر است قواعد و امیال خود را در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی در دنیا اعمال کند. این مفهوم از دهه ۷۰ میلادی وارد گفتمان سیاسی کشورها شد. اما بر اساس تعریف‌هایی که بعداً آن در دهه ۸۰ توسط نظریه‌پردازان غربی از مفهوم هژمون مطرح شد، لازمه هژمون بودن غیر از برتری نظامی و مشروعیت ایدئولوژیک، اقتصاد توانمند، و ثروت نیز هست. در وضعیت برقراری هژمونی کشور قدرتمند، در خصوص تمام مقوله‌های قدرت از نظر کیفی و کمی از سایر کشورها متمایز است و زیربنای مستقر در آن کشور به‌طور جهانی مشروعیت دارد. به‌جز این، ساختار اقتصادی نیز در آن شکور در تمامی جهان پذیرفته می‌شود و هیچ نظام اقتصادی به‌طورجدی آن را با چالش روبه‌رو

نمی‌کند. در خصوص ارزش‌های سیاسی و فرهنگی نیز رقابت جدی‌ای بین این کشور و کشورهای دیگر وجود ندارد. از نگاه نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل، هژمونی خود دارای انواع زیادی است و گزاره‌های خاص خود را دارد. رئالیست‌ها معتقدند قدرت صریح و آشکار نظامی و اقتصادی می‌تواند هژمون بیافریند. باین حال لیبرالیست‌ها معتقدند که این قدرت سازمانی و تشکیلات دولت است که می‌تواند دولتی را بر دولت‌های دیگر مسلط سازد. دولت هژمون به همین ترتیب به‌طور عمده در شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نقش دارد و قدرتش آن قدر زیاد است که سایر دولت‌ها را نیز برای اهداف خود به پیروی از الزامات تشکیلاتی وامی‌دارد. قدرت هژمون از این منظر به دلیل قدرت سیاسی و اقتصادی خود به دنبال ایجاد ثبات هژمونیک نیز هست و با بهره گرفتن از قدرت خود سعی می‌کند اقداماتی را انجام دهد تا نظم قابل اطمینان و موثری را در سیستم اقتصادی و سیاسی جهان به راه اندازد. این نظم می‌تواند به مسائل امنیتی نیز کشیده شود و بدین جهت امنیت دسته‌جمعی نیز تأمین شود.

از این منظر می‌توان بار دیگر به نگرانی‌های مکرون نگاه کرد و متوجه شد که چرا او دیگر قدرت هژمونیک برای آمریکا یا غرب قائل نیست. او در وهله اول نظام اقتصادی غرب یعنی سیستم سرمایه‌داری را در خطر می‌بیند و معتقد است که برخلاف نظریاتی که سال‌ها پیش به‌عنوان بنیان‌های سرمایه‌داری توسط مارگارت تاچر معرفی می‌شد و بیان می‌شد چیزی به‌عنوان جامعه وجود ندارد و تنها افراد هستند که باید با تلاش و کوشش خود سطح کیفیت زندگی خود را بالا ببرند، باید اروپا را در وهله اول یک جامعه دید و نه یک بازار. او تأکید می‌کند که «اروپا فراموش کرده که یک جامعه است و به‌طور فزاینده‌ای خود را یک بازار می‌داند و توسعه آن را هدف غایی خود تعریف کرده است. این یک خطای بنیادین است، چراکه قلمرو سیاسی این پروژه محدود خواهد شد. بازار یک جامعه نیست؛ جامعه مدلی قوی‌تر است. جامعه دارای حس همبستگی، همگرایی و تفکر سیاسی است که ما آن را گم کرده‌ایم.» این جمله‌ها دقیقاً به معنای اشتباه بودن اندیشه‌های اولیه شکل‌گیری سیستم نولیبرالیسم است که اروپا را نه یک جامعه بلکه یک بازار برای شرکات جدی با ایالات‌متحده می‌دید.

آمریکا امانه‌تنها از لحاظ معنوی و نظری، بلکه از لحاظ اقتصادی و امنیتی نیز که دورکن دیگر هژمون بودن است، اروپا را در دنیای امروز تنها

و سرگردان رها کرد. در اینجاست که مکرون از شرکات امنیتی و استراتژیک ایالات‌متحده و اروپا را نیز زیر سؤال رفته می‌داند و معتقد است آمریکا حتی در زمان قبل از دولت دونالد ترامپ نیز از موقعیت هژمونیک خود در حال دور شدن بود زیرا دیگر نمی‌خواست از لحاظ امنیتی حامی اروپا باشد. او با ما در همان زمان اعلام کرده بود که رئیس‌جمهور پاسیفیکی است و این بدین معنا بود که آمریکا نگاهش را از اروپا به سمت درون خود خواهد برد و این انزوای ملی قرار است نه تنها قدرت هژمونیک ایالات‌متحده را زیر سؤال ببرد، بلکه قدرت کل غرب را نیز با سؤالات و اماوگرهای زیادی روبه‌رو کند به همین دلیل بود که به برخلاف ادعاها و تهدیدهای مطرح شده، به سوره حمله نکرد و در پی بیرون رفتن از خاورمیانه بود. ترامپ هم بارها بایبان اینکه هزینه‌های ۷ ترلیون دلاری در خاورمیانه مالیات‌دهندگان آمریکایی را خسته کرده به فکر خروج از منطقه بود و در برابر نگرانی‌های اروپا در خصوص مسائل منطقه و همچنین بحران مهاجرت بیان می‌کرد که اروپا به منطقه نزدیک است و آمریکا از این منطقه دور است، هر که نزدیک است، خودش فکری به حال اوضاعش کند!

چتر امنیتی آمریکا دیگر روی سر اروپا قرار ندارد و الیزه از این مسئله ترسیده است. چشم‌انداز منظره پیش رو به قول فرانسوی‌ها بیشتر به دژاویی از گذشته می‌ماند. تصویری از گذشته و یا آینده که به ناگهان از مقابل چشمانت عبور می‌کند. جنگی تمام‌عیار در اروپا آن هم بعد از ۷۰ سال تلاش بی‌وقفه برای ساماندی به اوضاع امنیتی اتحادیه. اروپا دچار افزایش احساسات ناسیونالیستی شده است، بحران مهاجران بر ابعاد وحشتناک این بحران افزوده است. نانو در این میان ضعیف‌تر از هر زمان دیگری است. ترامپ که همه چیز را از زاویه پول می‌نگرد، خواستار افزایش سهم بودجه کشورهای اروپایی در ناتو شده و در تمام اجلاس‌های اروپایی اشاره می‌کند که دیگر هزینه تأمین امنیت آن‌ها را نمی‌پردازد. اروپا به فکر تأسیس ارتش خود است. هزینه تأسیس این ارتش که البته مورد وفاق تمام اعضای اتحادیه اروپا نیز نیست، از کجا باید تأمین شود؟ سیاست‌های آمریکا اروپا را ناخودآگاه در مقابل روسیه قرار داده است. تحریم‌های آمریکا علیه روسیه، اقتصاد اروپا را هم دچار مشکل ساخته. ترامپ در حمایت از کردهای سوریه زیر قولش زده و اردوغان به راحتی به شمال سوریه حمله می‌کند. اگر سوری‌ها به ترکیه حمله کنند، آیا اروپا باید در حمایت از یک عضو ناتو، به سوریه

دیوار نامرئی میان شرق و غرب اروپا

یک اندیشکده آمریکایی با اشاره به نتایج دو پژوهش در میان مقامات کشورهای مختلف اروپا تأکید دارد که هنوز دیواری نامرئی میان شرق و غرب اروپا وجود دارد که مانع از اثرگذاری برابر دولت‌های شرقی در تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا است.

این مقاله با اشاره به یک نظرسنجی جدید که توسط مرکز افکارسنجی اندیشکده کارنگی انجام شده، تأکید کرد که در کمال تعجب بسیاری از مقامات ارشد اتحادیه اروپا از کشورهای سابقاً کمونیست در این قاره بر این باورند که همتایان آنها در اروپای غربی همچنان با آنها به صورت برابر رفتار نمی‌کنند.

این نظرسنجی در میان ۲۰ نفر از مقامات کشورهای انجام گرفته که در سال ۲۰۰۴ یا پس از آن به اتحادیه اروپا ملحق شده‌اند و دست کم ۴ سال تجربه کار در نهادهای وابسته به اتحادیه اروپا را دارند. در این پژوهش یک مجموعه سؤالاتی مطرح شد تا دیدگاه این افراد در رابطه با تجربه حرفه‌ای در درون نهادهای وابسته به اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار گیرد.

نتیجه این پژوهش نشان داد که دست کم نیمی از این افراد مصداق‌های شخصی از اتفاقاتی را تجربه کرده‌اند و یا اعتراضاتی را مطرح کرده‌اند که همگی به دلیل ملیت اصلی آنها نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، اکثریت این افراد اعلام کردند که در جلسات استماعی که آنها برای ارائه گزارشات دوره‌ای خود حاضر می‌شوند، برخورد‌های مناسبی با آنها صورت نمی‌گیرد و اغلب گزارش‌هایشان حتی شنیده نمی‌شود.

این اندیشکده آمریکایی با اشاره به نتایج این نظرسنجی تأکید می‌کند، این فرضیه که در اروپا میان کشورهای غربی و کشورهای اروپای شرقی رفتارهای غیرعادلانه‌ای صورت می‌گیرد لزوماً بر اثر گذر زمان از بین نرفته است. با این وجود، برخی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، بهبود در این شرایط را طی سالیان گذشته گزارش کرده‌اند اما بسیاری دیگر بر این باورند که طی سال‌های پس از ۲۰۰۴ و الحاق این کشورها به اتحادیه اروپا، تنش‌ها میان غرب و شرق از سر گرفته و این تنش‌ها بر سر موضوعات مختلف مشهود است، از بحران پناهجویان سال ۲۰۱۵ گرفته تا جنجال‌های مربوط به حاکمیت قانون در لهستان و مجارستان. به‌طور کلی، این دیدگاه رایج در اروپا وجود دارد که مقامات کشورهایی که اعضای جدیدتر اتحادیه اروپا به شمار می‌روند در موارد مختلف از جمله موضوعاتی که مسائل جدیدتر دنیای امروز به شمار می‌روند نظیر تغییرات آب و هوایی و موضوعات اجتماعی و فناوری، اصلاً جدی گرفته نمی‌شوند و در نهادهایی نظیر کمیسیون اروپا اینگونه رفتارها مشهودتر است.

علاوه بر این، پژوهش دیگری که در رابطه با روابط غرب و شرق در اتحادیه اروپا توسط همین اندیشکده انجام گرفته، نشان می‌دهد که بسیاری در اروپای مرکزی و شرقی بر این باورند که اتحادیه اروپا اساساً نهادی دور از دسترس است که این کشورها اثرگذاری بسیار اندکی بر سیاست‌های آن دارند.

این اندیشکده با اشاره به نتایج این پژوهش‌ها تأکید می‌کند، رفع تنش‌ها میان کشورهای سابقاً عضو اتحادیه و کشورهای جدیدتر در این نهاد اروپایی و بهبود این دیدگاه که در نهادهای وابسته به این اتحادیه میان اعضای مختلف آن، رفتارهای ناعادلانه به چشم می‌خورد، نیازمند صوری برای البته اقدامات خاص دیگری نیز می‌تواند در این راستا صورت گیرد که در حیطه اختیارات رهبری جدید اتحادیه اروپا خواهد بود که در دوره آتی کمیسیون اروپا احتمالاً تفاوت چشمگیری رخ خواهد داد.

خاطره

پیوستن به نهضت امام خمینی (ره)

آنچه می خوانید برشی از کتاب «خون دلی که لعل شد» خاطرات آیت الله خامنه ای از ایام کودکی، مبارزه و تبعید در دوران ستمشاهی است:

وقتی در مشهد بودم، نام امام خمینی را شنیدم. ایشان آن زمان به «حاج آقا روح الله» معروف بودند و شهرت ایشان در میان طلاب، به خاطر جدیت در تدریس بود. هر طلبه ی جوانی که در درس جدیت و کوشایی داشت، مشتاق شرکت در دروس ایشان در حوزه ی قم بود.

پس از آنکه در سال ۱۳۳۷ به قم رفتم، در دروس اصول فقه امام شرکت کردم و این درس ها را طی شش سالی که در قم بودم، ادامه دادم. در دروس فقه امام هم شرکت کردم، ولی در همه ی سال ها نه؛ چون به حلقه ی درس حاج آقا مرتضی حائری پیوستم؛ و این امر نه به علت ترجیح جلسات درس آقای حائری، بلکه به سبب شلوغ نبودن آن بود.

طلاب جلسات درس حاج آقا مرتضی تعدادشان کم بود؛ زیرا با آنکه ایشان از نظر علم و فضل معروف بود، اما در روش تدریس وی جذاب شان نمی کرد. همان تعداد اندک هم درس های من در حلقه ی درس ایشان نیز آن درس را ترک کردند و من به تنهایی ماندم و با ایشان درس را ادامه دادم. تا پیش از حرکت امام خمینی در سال ۱۳۴۱، هیچ گونه نشانه ای از انقلابی بودن در ایشان مشاهده نمی شد. ایشان استادی جدی بود با لباسی مرتب و فوق العاده تمیز، سر به زیر وارد جلسه ی درس می شد، به هیچ یک از طلاب نگاه نمی کرد، درس خود را با جدیت می داد، به پرسش ها و بحث های طلاب با دقت و توجه تمام پاسخ می گفت و بدون آنکه توجهی به ایجاد ارتباط با طلاب داشته باشد، به همان شکل بیرون می رفت. اما در عین حال میان طلاب محبوبیت بسیاری داشت.

اکنون که به آن روزها می اندیشم، از سکوتی که این مرد پیش از اعلام نهضت خود داشت، خیلی متعجب می شوم. اعلامیه هایی که پس از آغاز نهضت صادر کرد، نشان می دهد که ایشان همچون آتش فشان خاموشی بوده که یکباره فوران کرد. همواره گفته ام؛ ریاضت سکوت امام، یکی از بزرگترین ریاضت ها بوده. او مصداق کامل انسان مومن بود.

امام خمینی با پدرم دوست بود. هرگاه قصد سفر به مشهد داشتم، برای خداحافظی نزد ایشان می رفتم و ایشان هم می خواست که سلامش را به پدرم برسانم. همچنین در بازگشت از مشهد هم نزد ایشان می رفتم و ایشان حال پدرم را جویا می شد. برای پرسش برخی مسائل هم خدمت ایشان می رفتم.



وقتی نهضت امام آغاز شد، کاملاً برای پیوستن به زیر پرچم ایشان آماده بودم؛ چون همه ی آنچه را که می خواستم، در این نهضت یافتم. به یاد دارم یک سال پس از نهضت امام، از یکی از کوچه های قم می گذشتم که دیدم دومین اعلامیه ی امام را بر در ورودی مدرسه ی حجتیه چسبانده اند.

در این اعلامیه، امام اسدالله علم را با لحن و زبانی مورد خطاب قرار داده بود که قدرت اسلام و عزت علمای مسلمین در آن موج می زد.

کلمات اعلامیه را با تمام وجود نioشیدم و خواستم به سجده بیفتم؛ زیر بیانگر تمامی احساسات و آرزوهایم بود و فهمیدم امام تا آخر پای حق می ایستد.

حوزه ی علمیه ی قم پس از رحلت آقای بروجردی احساس یتیمی می کرد. در چنین شرایطی بود که امام مانند کوهی راسخ و استوار برخاسته بود و در نهایت شجاعت و قدرت و عظمت، با قدرت حاکمه ی ستمگر سخن می گفت. طبیعی بود که این موضع امام همه ی احساسات انسان آرمان خواه و آرزومند عزت اسلام و مسلمین را تحت تاثیر خود قرار دهد.

تحریم تنباکو چگونه روحیه خودباوری را در بین مردم ایران تقویت کرد؟

تجربه تاریخی: تحریم و خودکفایی



تحریم تنباکو دارای دو وجه سلبی و اثباتی بود؛ وجه سلبی آن تحریم کالای خارجی و وجه اثباتی آن تکیه بر خودباوری بود.

روحانیون و علمادر چندصدسال اخیر نقش مهمی در رفتارهای اقتصادی مردم داشتند وواکنشهای آنان نسبت به برخی مسائل موجب شکلگیری کنشهایی مثبت از سوی مردم شده است که نمونه بارز آن تحریم تنباکو با فتوای میرزای شیرازی است. بازخوانی ماجرای تحریم تنباکو نشان میدهد که تحریم دارای دو وجه سلبی و اثباتی است. وجه سلبی آن تحریم کالای خارجی و وجه اثباتی آن تکیه بر خود و خودباوری است. فرمان تحریم که از سوی یک مرجع دینی صادر شد، نه تنها منجر به قطع نفوذ و سلطه اقتصادی بیگانه شد، بلکه ذهنها را متوجه منافع ملی در برابر منافع بیگانگان قرار داد.

تحریم تنباکو که منجر به قیام دخانیه شد، اثرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران داشت. مقابله با سلطنت قاجار در تحریم تنباکو و حضور مردم در صحنه سیاسی، اولین نغمه های جمهوریخواهی را در ایران به وجود آورد؛ به گونه ای که بسیاری از پژوهشگران تاریخ معاصر مبدأ انقلاب مشروطه را تحریم تنباکو میدانند.

تحریم تنباکو در مقابل انحصار تنباکو، استقلال را در برابر استعمار قرار داد و در واقع تحریم خط تقابلی را بین استقلال کشور و مداخله و نفوذ استثمار به وجود آورد. در کتاب تاریخ دخانیه آمده است که سفیر روس در میهمانی بزرگی که در آن سفرای کشورها و مامورین و روسای کمپانی رژی حضور داشتند، گفت: «اگر این مرد مسلم القول (میرزای شیرازی) بنویسد که تمام امتعه و اجناس که از فرنگستان حمل و نقل میشود به ایران، حالش همین و استعمالش روانیست بلکه مایحتاج مسلمانان باید مثل سابق از داخل مملکت فراهم شود چندین باب بزرگ از تجارت تمامی دول اروپا از این رهگذر باالمره سد خواهد گردید.»

پیش از قیام دخانیه اقتصاد مبتنی بر بازار خارجی آنچنان برای مردم

ناپسند نبود و حتی برخی از تجارب برای سود بیشتر شعب کمپانی خارجی را در شهرها گسترش میدادند و یا خود واسطه نفوذ بیگانگان میشدند. تحریم تنباکو حداقل اثری که بر جای گذاشت، این بود که کالای داخلی رواج پیدا کرد. به اعتقاد موسی نجفی پژوهشگر تاریخ معاصر تحریم از لحاظ زمانشناسی و جامعه شناسی به خوبی عمل کرد و تمام معضلات و واقعیات ملموس و سرد جامعه را مدنظر قرار داد و در طول واقعه و قیام تحریم، پردههایی واقعی از روند رو به انحطاط جامعه ترسیم شد؛ روندی که اگر ادامه مییافت از هویت، اسلامیت و ایرانیت نشانی باقی نمیمانند. در نتیجه میتوان گفت اندیشه تحریم با اندیشه خودکفایی پیوند داشته و نهضت تحریم در سیر تاریخی خود، به غیر از تعمیم ابعاد و حوزه نفی، خواه ناخواه گامهای بعدی را برای رفع نیاز از جامعه برداشته است. یکی از نتایج مهم جنبش تنباکو تقویت این فکر بود که برای رفع وابستگی به بیگانگان لازم است وسایل مورد نیاز جامعه ایران در داخل کشور تولید شود.

از این روز همان زمان شرکتهای اقتصادی و تولیدی در ایران به وجود آمد که یکی از بزرگترین آنها شرکت اسلامیة در اصفهان بود. این شرکت با هدف تأمین منسوجات مورد نیاز مردم مسلمان ایران و با حمایت علمای ایران تأسیس شد و به تدریج شعبههایی در برخی از شهرها و حتی در خارج از کشور به وجود آورد.

اما چرا اندیشه تحریم و اندیشه خودکفایی مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت و در نتیجه مقدمات استقلال ملی کشور به وجود آمد؟

مردم ایران به دلیل برخورداری از هویت دینی و متاثر بودن از آموزه های مذهبی کالاهای بیگانه را تحریم کردند و راه خودکفایی را در پیش گرفتند. مردم به دلیل دینخواهی و وطن دوستی محصولات تولید شده توسط شرکت اسلامی را هر چند کیفیتی برابر با کالای خارجی نداشت، با افتخار مصرف میکردند و اگر همراهی و حمایت مردم نبود، فعالیت آن شرکت متوقف میشد.

چگونه اقدام انقلابی فدائیان اسلام در

ترور عبدالحسین هژیر مصدق را راهی مجلس کرد؟

اعدام انقلابی در «سپه سالار»

وی به دلیل سوء سیاستهایش در امور داخلی و خارجی و انتقاداتی که به دلیل رفتارهای تظاهرگونه او میشد، تاب مقاومت نیاورد و با آن که در مجلس از حمایت اکثریت برخوردار بود، روز پنجم آبان ۱۳۲۷ پس از پنج ماه از کار کناره گرفت.

هژیر بعد از نخستوزیری به وزارت دربار راه یافت. مقامی که کمتر از نخستوزیری نبود و گاه قدرتش از نخستوزیر هم بالاتر بود اما عاملی که موجب شد تا فدائیان اسلام وسایر گروه های سیاسی مبارز آن زمان دست به اعدام انقلابی وی بزنند، انتخابات مجلس شانزدهم بود.

تقلب گسترده در انتخابات به حدی بود که هیچکدام از یاران مصدق و کاشانی به مجلس راه پیدا نکردند. دخالت دربار و نظامیان در این انتخابات به حدی بود که مجلسی کاملاً مطیع شاه تشکیل میشد و هژیر نیز به عنوان وزیر دربار، در فرایند تقلب در انتخابات نقش مهمی داشت. سید حسین امامی ضارب هژیر در دادگاه گفته بود که وی شاهد جایجایی صندوقهای رای توسط هژیر در مدرسه سپهسالار بوده است. در جلسهای با حضور نواب صفوی، سید حسین امامی و شخص دکتر مصدق، مصدق از فدائیان اسلام درخواست میکند برای ابطال انتخابات هژیر را از سر راه بردارند. نواب صفوی نیز این ماموریت را به سید حسین امامی که پیش از این کسروی را ترور کرده بود، میسپارد.

این اقدام انقلابی موجب شد تا دولت ساعد مراغه ای انتخابات مجلس شانزدهم در تهران را ابطال کند و در انتخابات مجدد دکتر مصدق، دکتر بقایی، مکی، نریمان، شایگان، آزاد و الهییار صالح از تهران انتخاب شوند. آیتالله کاشانی نیز که در لبنان در تبعید بهسر میبرد به عنوان نماینده تهران انتخاب شد.

چهره

سید حسین امامی



سید حسین امامی اولین شهید فدائیان اسلام است. او در طول حیات خود، احمد کسروی و عبدالحسین هژیر را به صورت انقلابی اعدام کرد.

کسروی به دلیل توهین به اسلام با فشارهای مردم و علیرغم خواست رژیم به دادگاه فراخوانده شد؛ اما مشخص بود که دادگاه نمایشی است. از این رو سید حسین امامی به همراه جمعی دیگر، کسروی را به هلاکت رساندند.

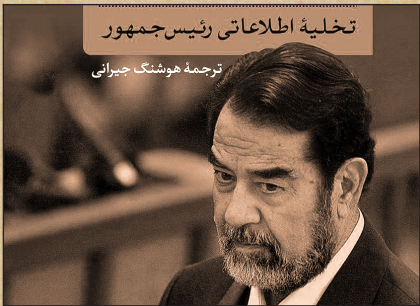
انتشار خبر هلاکت کسروی، موجب خوشحالی مردم و علما شد و در نتیجه با فشار آنان، امامی از زندان آزاد شد. انتخابات مجلس شانزدهم مورد دستکاری دربار قرار گرفت و از مخالفان کسی به مجلس راه نیافت. جمعیت فدائیان اسلام که بنا به درخواست آیتالله کاشانی از ملیون حمایت میکرد، این عمل را دسیسه هژیر دانست.

بنابراین سید حسین امامی از اعضای فعال جمعیت فدائیان اسلام مأمور به اعدام انقلابی هژیر شد و امامی، هژیر را در ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۸ ترور کرد.

ترور هژیر موجب شد که مصدق و کاشانی وارد مجلس شوند و اتفاقات بعد از آن یعنی ملی شدن صنعت نفت رقم بخورد. امامی ۲ روز پس از ترور و پس از تحمل شکنجه به اعدام محکوم شد.

معرفی کتاب

بازجویی از صدام



تخلیه اطلاعاتی رئیس جمهور

ترجمه هوشنگ جیرانی

جان نیکسون مامور سابق اطلاعاتی آمریکا (سیا) چند سال پس از محکومیت صدام به اعدام، اقدام به انتشار خاطرات خود کرد.

پس از دستگیری صدام در یک پناهگاه زیرزمینی، نیکسون مامور تعیین هویت و تخلیه اطلاعاتی دیکتاتور مخلوع عراق شد. نویسنده در این کتاب ضمن بیان خاطرات خود از جلسات بازجویی و احوالات صدام، سعی کرده است دیدگاه ها و مواضع سیاسی رئیس جمهور سابق عراق نسبت به جهان بین الملل، منطقه غرب آسیا و مردم و گروه های مذهبی و سیاسی این کشور عربی را بیان کند.

اگرچه عنوان شده که نویسنده تصویری بی طرفانه از صدام و منطقه غرب آسیا ارائه کرده است؛ اما آن چیزی که مخاطب در نهایت دریافت می کند، تصویری مثبت از دیکتاتوری صدام در عراق آشفته و پر از آشوب است که آمریکا به عنوان منجی مردم وارد میدان می شود. کتاب بازجویی از صدام زمانی منتشر شد که نیکسون دیگر مامور سیان بود و در یکی از شرکت های امنیتی کشور امارات مشغول به کار بود. این کتاب توسط هوشنگ جیرانی به زبان فارسی ترجمه و توسط انتشارات پارسه به چاپ رسیده است.